



هفته نامه فرهنگ، خبری
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

شماره ۴۲

سال اول

www.eKashef.ir | info@eKashef.ir

برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف نام خود را همراه با عبارت

«خبرنگار» به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید.



امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِيَّاكَ وَ مَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ! فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسِيءُ وَ لَا يَعْتَذِرُ، وَ الْمُنَافِقُ يَسِيءُ كُلَّ يَوْمٍ وَ يَعْتَذِرُ.
از آنچه باید از آن پوزش خواهی بپرهیز! مؤمن بد نمی کند و عذر نمی خواهد. منافق هر روز بد می کند و پوزش
می خواهد..

الحياة | ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۵۴۹

سه شنبه
۲۳ اسفند ۱۳۹۰
شماره ۴۲

هفته نامه فرهنگ، خبری
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

زودی در تارنمای کاشف بخوانید!

کاشف به نام سلام پیشخوان پشت پنجره خوشه جینان تک خوشه بیش دانشجو خانوادگانه معرفی کتاب دانلود درباره ما

اندازه فونت بزرگتر | رنگ کوچکتر جستجو...



شما اینجا هستید: Home

به نام سلام

نمایش # 10

عنوان	نویسنده	کلیکها
قیال در جهاد نرم (به نام سلام 41)	نوشته شده توسط دبیر سایبری کاشف	0
عواصم، در جهاد نرم! (به نام سلام 40)	نوشته شده توسط دبیر سایبری کاشف	0
فی آتیه جهاد نرم! (به نام سلام 39)	نوشته شده توسط دبیر سایبری کاشف	0
روایت نرم! (به نام سلام 38)	نوشته شده توسط دبیر سایبری کاشف	0

باسال نو، نومه شویم...
www.eKashef.ir



صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

سر دبیر: نعیمه پور صالحی

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) (کاشفیون)



هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانش‌گاه تهران

به نام ســــــــــــــــلام

یادم نیست تخیل کردم یا واقعا چنین اتفاقی افتاد، اینکه نان سنگکی خریدم و دور از چشم من، سنگی هنوز روی نان مانده بود و زیر دندان مادرم رفت. حتی اگر چنین اتفاقی هم نیفتاده باشد، تخیل این صحنه تبدیل به یک تذکر محکم شد، «غلط کردی که سهو و اشتباه کردی، حق نداشتی که اشتباه کنی».

دقت داشته باشید که این روحیه نباید منجر به خودزنی و خودآزاری شود. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود چنین توییحی با شدت یادشده همیشه قبل وقوع اشتباهات صورت بگیرد تا امکان اشتباه به حداقل برسد. این روحیه، نفی کننده استغفار نیز نباید تلقی شود. والبتہ نافی به گردن گرفتن اشتباهات دیگران نیز نیست.

پشـــــــت پنجره

حاجے، احرام دگر بند....

کلاس ختم مفہومی قرآن استاد اخوت، شنبہ‌ها، سوره مبارکہ حج

﴿يٰۤاُدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَاٰ لَا يَنْفَعُهُ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ﴾آیہ ۱۲ سوره مبارکہ حج یکی از مراحل مهم حج، قربانی کردن است. حاجی پس از تقصیر، باید قربانی خود را به بهترین نحو، تقدیم درگاه الهی بکند. باخلوص نیت و با تمام آنچه که در توان دارد. قربانی، گوسفند باشد یا شتر؟ گوسفند فربه باشد یا گوسفند لاغر؟ گران قیمت باشد یا ارزان؟

مرحله ای از امتحان حاجی، همین جاست. با انتخاب نوع قربانی توسط حاجی، رویکرد او به مقوله نفع و ضرر در زندگی مشخص می شود. اگر نفع و ضرر را بر اساس مادیات تعریف کند، سعی می کند قربانی ارزانتري داشته باشد، حالتی شبیه به قربانی قابل! و اگر نفع و ضرر را براساس مبنایی فراتر از مادیات تعریف کند، نوع قربانی و حالتی که باانتخاب نوع قربانی توسط حاجے، رویکرد او به مقوله نفع و ضرر در زندگی مشخص می‌شود.

در قربانی کردن دارد متفاوت می شود، حالتی شبیه به قربانی هابیل! بنابراین بحث موضع گیری انسان، نسبت به نفع و ضررش، بحث بسیار مهمی است که بخش مهمی از مختصات بندگی او را رقم می زند.

سوره مبارکہ حج، نفع و ضرر حقیقی انسان را برای او روشن می سازد و مسیرهای رسیدن به نفع و دوری از ضرر را به وضوح معرفی می کند. آنکه به پروردگار خویش، لیبک می گوید و در صراط حرکت می کند، هر اقدامی که می کند برایش نفع است و آنکه غایتی مادی گرایانه و دنیا طلبانه دارد، هر حرکتی که می کند به سمت هلاکت و ضرر پیش می رود.

﴿وَ كَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ اٰیٰتٍ بَيِّنٰتٍ وَّ اَنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَن يُّرِيْدُ﴾«آیہ ۱۶»

تنها راه، جهت انتخاب معیار صحیح برای نفع و ضرر، رجوع مؤمنانه به کتاب و آیات است. هر کسی باید رویکرد خویش نسبت به نفع و ضرر را به کتاب و آیات عرضه کند و نکته مهم تر آنکه باید آیات کتاب را طوری قرائت کرد که نفع و ضررهای زندگی را از آن استخراج کرد.

پروردگارا! به ما قلبی خاشع عنایت فرما که نفع و ضرر را تنها از ذات اقدس تو ببینیم و برای هیچ کس و هیچ چیزی، جز تو وجود یگانه، شأنیت اثر و نفع و ضرر، قائل نباشیم. لبیک، اللهم لبیک! لبیک لشریک لک لبیک!

سه شنبهٔ ۲۳ اسفند ۱۳۹۰ سال اول ۴۲ ربيع‌الثانی۱۴۳۰ شماره

منطق چنین سختگیری به ضرورت عملکردی بازمی‌گردد که يك مؤمن (بخوانید مجاهد در عرصه جهاد نرم) باید داشته باشد. مؤمن کاری نمی‌کند که احتیاج به عذرخواهی داشته باشد و این روحیه در عرصه جهاد بسیار معنادار است زیرا اشتباه يك در عرصه جهاد بسيار معنادار است زیرا اشتباه يك **چقدر يك فرمانده آسوده خاطر خواهد بود وقتی که کار** **را به دست مجاهدی می‌سپارد که در کارهایش اتقان دارد.**

مجاهد یعنی هلاکت خود یا عده‌ای دیگر. جنگ است دیگر تعارف بردار که نیست نمی‌شود سر و ته هر بی‌ملاحظه‌گی را با يك عذرخواهی هم آورد. کسی که حساسیت‌های یاد شده را با مصادیق ساده و جزئی -مثلاً در يك نان يك متر در سی سانتی متر – مشق نماید، امید آن می‌رود که بشود به لطف الهی در کارهای بزرگتر هم به او اطمینان کرد. فکرش را بکن چقدر يك

فرمانده آسوده خاطر خواهد بود وقتی که کار را به دست مجاهدی می‌سپارد که در کارهایش اتقان دارد. يك جایی بالاخره زنجیره اشتباهات باید قطع بشود. اشتباهاتی که معمولاً به گردن فراموشی و حافظه می‌افتند اما در واقع ناشی از غفلت هستند. به یاد نماندن يك تکلیف مجاهدانه، یعنی روشن نبودن اهمیت آن تکلیف نزد مجاهد و این آن چیزی است که ترس توبیخ آن مجاهد را مصون از اشتباه می‌نماید.

امام سجاد(علیه‌السلام) فرمود:

«**اذا قام قائمنا اذهب الله عز وجل عن شيعتنا العاهة و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوّة رجل منهم قوّة اربعين رجلاً و يكونون حكام الارض و سنامها**»
مشكاة الانوار، ص۷۹

بردگے پنھان با واژگان بے اصل و نسب

از گردان مالک اشتر

به نظر شما واژه ها و کلمات تأثیری بر تولید علم جامعه دارند؟ آیا واژگان برای خود نظام و ساختاری ندارند تا آنها را از پراکندگی به یک وحدت برساند؟ جواب این سوالات در سوره تکاثر (که آسیب های کثرت واژگان را به ما توضیح می دهد) و سوره کوثر (که روش وحدت واژگان را تبیین می کند) یافت می شود.

می شود تکاثر واژگان را به کوثر واژگان تبدیل کرد؛ یعنی تبدیل شدن واژگانی پراکنده با مصادیق بسیاری که برای آن وجود دارد، به نظامی واحد و سلسله مراتبی.

هر علمی باید واژگانش را از چشمه واحد حقیقت بگیرد و این واژگان با نظامی ساختارمند از مرتبه حقیقت واحد(که کوثر است) به سمت مراتب پایین تر سرازیر شوند و مولد دیگر واژگان این علم شوند. در این نظام ساختارمند سلسله مراتبی، سرازیر شدن هر واژه ای یک صل(نوعی عبادت) دارد و یک نحر(قربانی کردن). صل واژه همان دستی است که رو به بالاست و متصل به واژه بالا دست خود می شود و نحر دستی است که رو به پایین است و متصل به واژه پایین دست خود می شود.(در نظر گرفتن نظام صل و نحر واژگان، در تعریف کردن واژه، بسیار بر دقت آن می افزاید). تولید واژه ای که به این نظام متصل نباشد نشان دهنده ی ابتر (نا تمام) بودن آن است. اگر به فضایی ورود پیدا کردید که این کثرت واژگان وجود داشت، به راحتی مبهوت و برده آن نشوید. اگر کثرت واژگان، در این سیستم از طریق نظام صل و نحر واژگان به یک چشمه واحد که آن را کوثر واژگان می نامیم متصل نشده باشند، بی شک باعث تولید علم نمی شود و فقط مولد لهو است. انسان های زیادی عمر خود را پای آن می گذارند اما جز بر لهوشان افزوده نمی شود. هرچند که لهو آن ها شکل موجهی داشته باشد، شیک باشد و همه را مجذوب خود می کند.

از آسمون به زمین

از گردان سلمان فارسی

با خودت درگیری، خوابت میاد، نگاه می‌کنی می‌بینی که س‌ریه که یکی پس از دیگری چندلحظه میره روی میز و بلند میشه، هر از گاهی یکی به سوالی می‌پرسه، ولی باز سیستم سکوتِه. یاد کلاس های دانشگاه می‌افتی! هر از گاهی با بقل دستی‌ات حرف

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانش‌گاه تهران

میزنی،ازش چند تا سوال می‌پرسی ولی اونم یکی لنکه خودت! هی فکر می‌کنی آخه که چی؟

الان با این چیزا که استاد می گه به کجا می رسمیم، ما که نمی‌فهمیم چی به چیه؟ این حرفا مال این زمین نیست، انگار داره تو آسمون سیر میکنه! کلافه می شی، احساس خنگی و خستگی همه می زنه بالا که یهو برگه ورق می خوره....

بهت میگن که میخوای کتاب بنویسی، می خوای کار پژوهشی کنی، می خوای یکی قانع کنی و یا کاری از این قبیل باید از کلمات شروع کنی! کلمه مورد نظرت تحلیل عقلی کن، مقدمات،لوازم و آثارش پیدا کن. بعد بیرش تو ساحت موضوع حالا موضوع بسط بده، لوازش

خوشه چینان

از گردان ادبے امام سجاد(علیه‌السلام) سوره مبارکه کوثر

برای جریان داشتن در مسیر حقیقت جاری الهی باید جریانی مثل آب داشت. هر جریانی بهانه ای است برای اتصال و ظهوری دارد تا همه را با این جریان هم جهت کند. تا ماندگار شدن سجده ای راه است و نیازی باید تا همیشه آشکار باشد. دستی عطا می کند لحظه به لحظه این جریان را. در مسیر این جریان هر عضو وظیفه ای دارد چشم بینایی، پا حرکت، قلب دوست داشتن و... نتیجه این جریان نسلی است که تا هستی هست آن نیز هست و باقی.

هر جمله اش یک موضوع است برای متن نوشتن. هر متنِ

خانوادگــــــــــــــــانه

گزارش تحقیق و تفحص از پرونده « ظلم »

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام):
ستمکار را سه نشان است:بر آنکه برتر از اوست ستم کند،به نافرمانی،وبر آن که فروتر از اوست به چرغی و آزر رسانے،و ستمکاران را یاری کند و پشتیبانیے.
نهج البلاغه، حکمت ۲۵۰

یا من لا یعتدی علی اهل مملکتہ

اگر قرار باشد بی هیچ مقدمه و شرح و تفصیلی، پیرامون روایت فوق، سری به سرفصلهای مربوط به آن بزنیم، شاید چند جمله زیر حاصل این سرکشی باشد:

۱) ظلم در این روایت به نوعی خاص از ستم مربوط می شود بلکه تمامی سطوح و ابعاد ظلم و جور را در برمی گیرد و طبیعتاً ظالم هم درنگاه عام، کسی است که هر يك از مراتب ظلم از او سر بزند.

۲) صرف نظر از عقوبت های اخروی ظلم در نظام حسابرسی الهی، بازتاب این دنیایی ظلم به گونه ای است که انسان به طور قطع نتیجه ظلم و ستم به دیگران را در طول حیات دنیوی و البته در حد ظرفیت های این عالم خواهد دید.

روشن است که نهادینه شدن این حقیقت در وجود انسان،

دیگران را از دست و زبان وی در امان می دارد و او را شایسته سکوت مسلمانی می نماید.
۳) هر عملی در این دنیا، بی درنگ در حوزه ملکوتی انسان اثر می گذارد و زندگی مُلکی انسان، کاملاً تابع ساحت ملکوتی اوست هر چند که خود انسان و یا هر ناظر بیرونی متوجه این مهم نباشد.

سه شنبهٔ ۲۳ اسفند ۱۳۹۰ سال اول ۴۲ ربيع‌الثانی۱۴۳۰ شماره

پیدا کن، ببرش تو قرآن! حالا نوبت کلمات قرآنه، اوانبی که به موضوعت ربط داره باید تحلیل بشه.اینجوریه که میتونی جواب سوالت به راحتی^((n>∞))!!!!)پیدا کنی!

بازهم سکوت،نگاه‌ها همه مات و مبهوت،ولی اینبار باجنسی متفاوت، انگار نمی‌تونن باور کنن که اون حرفایی که از جنس آسمونی بود، حالا شده از جنس زمینی، اونم واسه حل مشکل!

بیشتر که میگن بیشتر لذت می بری! اینکه همون مقدمه،لوازم و اثار چقدر تو کارت میاد. انگیزه پیدا میکنی، حالا دوست داری تا یاد بگیری، از جون و دل واسش وقت بذاری، از خدا می خوای که کمکت کنه تا با این لوازم بتونی به قرآنش تردیکتر بشی و اثرش تو زندگیت ببینی.

در جای دیگر متن پاسخ داده شود. نکته دیگر این است که در یک متن باید موضوعات مختلف سامان داشته باشند. از منطری یک متن از سه جهت می تواند پرداخته شود علت، معلول، رابطه بین علت و معلول. بدین صورت که در هر مورد تاکید روی پرداختن به همان است. نکته دیگر این که یکی از اصول در متن نوشتن استفاده از تمثیل است اما این کار نباید به نحوی انجام شود که به اجزای تمثیل افتاد بلکه باید در جزء یا اجزائی از تمثیل بین آن جزء و محتوا رفت و برگشت کرد.

گردان در زمینی جلو میرود که جاده ای ندارد و باید مسیر را انتخاب کند، نقشه بدهد و بعد جاده بزند. عطای الهی هفته به هفته عطا میشود. این هفته برای تمام سوره زیر تبتیر و سر تبتیر ها انتخاب می شود و در وبلاگ گذاشته می شود.

نشانه این تأثیرات، احساس ناخوشایند درونی در وجود آدمها به هنگام انجام گناه و ظلم است.

۴) هر گناهی، عقوبتی دارد که هر چند غیرفوری ولی حتمی است. بسیاری از گرفتاری ها و بیماری ها حاصل همین اعمال است گرچه هر امر ناخوشایندی در زندگی ما، لزوماً عقوبت عمل ما نیست.

۵) از آنجا که فرزندان آدم (ع)، موجوداتی ممکن الخطا هستند، لذا در مواقع ارتکاب گناه (العیاذ باللہ) و علی الخصوص در باب گناهان اجتماعی، پناه بردن به جایگاه رفیع ولایت راه جبران خطا و بازگشت به محور عبودیت است. این کلام مستند به آیہ ۶۴ سوره شریفه **هــــــــــــــــر گناھے، عقوبتی دارد که هر چــــــــــــــند غیرفوری ولے حتمے است.**

نساء می باشد که استغفار از خداوند و در محضر رسول گرامی را به خطایان توصیه می نماید.

۶) این موضوع مربوط به جایگاه ولایت است و مربوط به هر عصر و هر مرتبه ای از ولایت می باشد. در هر مرتبه ای، ولّی نسبت به مراتب پایین تر قابلیت عذرنیبری را از يك سو و طلب مغفرت و رفع مشکل را از سویی دیگر داراست که این قابلیت اساساً برمی گردد به ساختار ذاتی ولایت که «ترمیم» را از بالا به پایین سرازیر می نماید.

۷) به نظر می رسد نتیجه عملی و کاربردی روایت این باشد که به جای گیر افتادن در گرداب ظلم و گناه و تحمل عواقب تلخ و نامطلوب این گرفتاری، کمی خویشتن دار باشیم، نفس خویش را لوس بار نیاوریم و خود را از شر هزینه های عجیب و غریب

این «خودزنی» در امان نگه داریم.

خوب است یادمان بماند که اگر ظلم نسبت به دیگران صورت بگیرد ابعاد پیچیده تری پیدا می کند که جبران آن دیگر به این سادگی ها نیست. امان از حق الناس!